

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 3, Spring 2020, 67-92
Doi: 10.30465/crts.2020.27765.1635

Simmel's *Philosophy of Money* and Academic Specialization

S.M. Reza Amiri Tehranizadeh*

Abstract

Philosophy of Money is the most important work of Georg Simmel that is reconsidered nowadays in academies after that was neglected during the last century. In contrast to its title, this book is not about economics. It is a book on the multidisciplinary subject in the fields of philosophy, culture, psychology, social sciences, and economics. This article has two goals; first, to introduce the content of this work briefly and second, to analyze the relation of this book to academic specialization in scientific disciplines. For the first purpose, the most important concepts of the Philosophy of Money are reviewed briefly. The second purpose is considered from two aspects; first, what are the reasons for reconsidering this work in academies nowadays, after a century of neglect? And second, what relevance can this work hold to the humanities and social sciences' situation in Iran? Therefore, in the first place, the Simmel's theory of social forms is reviewed, and then upon it, concepts such as objectification, ramification, subject-object, modernity, aesthetics, end-mean, and the form of religion are discussed. In appraising the relevance of Philosophy of Money to academic specialization in the contemporary world and especially to the academic atmosphere in Iran, nowadays phenomena of the booming of interdisciplinary research in humanities and social sciences and the relation of religion to these sciences are considered.

Keywords: Simmel, Historical Forms, Philosophy of Money, Social Sciences, Interdisciplinary.

* Assistant Professor in Philosophy of Science, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, amiritehrani@hotmail.com

Date received: 2019-11-28, Date of acceptance: 2020-02-01

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد فلسفه پول زیمل و تخصص‌گرایی آکادمیک

سیدمحمدرضا امیری طهرانی*

چکیده

کتاب *فلسفه پول* مهم‌ترین اثر گئورگ زیمل است که پس از گذشت نزدیک به یک سده فراموشی دوباره در آکادمی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب برخلاف عنوان آن درباره اقتصاد نیست و به موضوعات فرارشته‌ای در قلمروهای فلسفه، فرهنگ، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، و اقتصادی می‌پردازد. این مقاله دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، معرفی اجمالی محتوای کتاب؛ و دوم، تحلیل نسبت این کتاب با تخصص‌گرایی آکادمیک. برای هدف نخست سعی شده است که مهم‌ترین مقولات بحث‌شده در *فلسفه پول* به‌طور خلاصه معرفی شود. اما هدف دوم از دو حیث بررسی شده است: نخست، دلایل مطرح‌شدن این اثر پس از یک دوره طولانی چشم‌پوشی از آن در جهان معاصر چیست؟ و دوم، نسبت این اثر با وضعیت علوم انسانی و اجتماعی در ایران کدام است؟ بدین منظور، در آغاز نظریه‌فرم‌های زیمل بررسی می‌شوند و سپس براساس نظریه‌فرم‌ها، مقولات عینیت‌یافتگی / شیء‌شدگی، سوژه - ابژه، مدرنیته، زیبایی‌شناسی، هدف - وسیله، و فرم دین در *فلسفه پول* معرفی می‌شوند. در ارزیابی نسبت فلسفه پول با تخصص‌گرایی آکادمیک در جهان معاصر و به‌ویژه ایران، به رونق‌یافتن رویکرد فرارشته‌ای در علوم انسانی و اجتماعی و هم‌چنین نسبت دین با این علوم می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: زیمل، فرم‌های تاریخی، فلسفه پول، فلسفه اجتماعی، میان‌رشته‌ای.

* استادیار فلسفه علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
amiritehrani@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

۱. مقدمه

گئورگ زیمل فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۱۸-۱۹۵۸) است که کتاب و مقاله‌های متعددی در زمینه روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ، دین، و فلسفه نوشته است. غیر از فلسفه پول، نام مهم‌ترین کتاب‌ها و مجموعه‌مقالات چاپ‌شده از او به زبان فارسی چنین است: *شوپنهاور و نیچه* (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، نشر علم)، *مقالاتی درباره دین* (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، نشر ثالث)، *مقالاتی درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی* (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، نشر ثالث)، *مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی* (ترجمه شهناز مسمی‌پرست، شرکت سهامی انتشار). زیمل، افزون‌بر کتاب‌های یادشده، مقالات متعددی نیز در این زمینه‌ها منتشر کرده است.

افزون‌بر این کتاب‌ها، زیمل آثار دیگری نیز دارد که برخی از آن‌ها از زبان آلمانی حتی به زبان انگلیسی برگردانده نشده است، کتاب‌هایی مانند: *مقدمه‌ای بر علم اخلاق*، *درباره تمایز اجتماعی*، *مسائل فلسفه تاریخ*، *مادرشهر و حیات ذهنی*، *کانت*، *فلسفه مد*، *کانت و گوته*، *دین*، *جامعه‌شناسی*، *پژوهش‌هایی درباره برساختن فرم‌های اجتماعی*، *مسائل اصلی فلسفه*، *فرهنگ فلسفی*، *پرسش‌های زمینه‌ای جامعه‌شناسی*، *نگرش زندگی*، و *درباره فلسفه هنر*.

زیمل در دوره‌ای از حیات علم می‌زیسته است که معرفت‌شناسی‌ها، روش‌شناسی‌ها، و رشته‌های علوم انسانی در حال شکل‌گیری و تعریف مرزبندی‌های خود بوده است. رویکرد علمی غالب در این دوره، تحت‌تأثیر پیشرفت‌های علوم طبیعی، رویکرد اثبات‌گرایی بود. البته رویکرد تاریخی و هرمنوتیک نیز در فضای آکادمی‌های آلمان در حال بالیدن بود. زیمل رویکرد پوزیتیویستی به علم را رد می‌کرد و گرچه ره‌یافتی تاریخی به شناخت داشت، تفاوت دیدگاه‌های خود را با هرمنوتیک دیلتای کتمان نمی‌کرد.

رویکرد فرارشته‌ای زیمل مطالعات و پژوهش‌های او را کم‌مخاطب کرده بود. نتایج تحقیقات او در هیچ‌یک از رشته‌های رسمی دانشگاه‌های آلمان و حتی اروپا جایگاهی نداشت. زیمل همان‌قدر موردخشم اقتصاددانان بود که فیلسوفان با او سازگاری داشتند. یهودی بودن او در جلوگیری از دریافت کرسی تدریس در دانشگاه برلین بی‌تأثیر نبود، اما دلیل اصلی این خشم در روش مطالعات فرارشته‌ای او نهفته بود که با تخصص‌گرایی آکادمیک و روبه‌رشد سازگاری نداشت. برای آشنایی بیش‌تر با رویکرد روش‌شناختی او، به‌اختصار نظریه فرم‌های او را بررسی می‌کنیم.

۲. نظریه فرم‌ها

تمام کارهای زیمل بر این فرض مبتنی است که جهان، چه به منزله کل و چه وجوه خاص آن، تنها هنگامی ابژه‌های ممکن برای شناخت یا تجربه خواهد بود که توسط فرم یا فرم‌هایی قوام یابند (زیمل ۱۳۸۶: ۱۷). به عبارت دیگر، جوهری از واقعیت را می‌توان به مثابه ابژه‌های ممکن تجربه و شناخت درک کرد که ذیل فرمی مقوم و سازنده قرار گیرند؛ از این رو، فرم را می‌توان در حکم شاکله‌ای مفهومی توصیف کرد که کارکردی شناخت‌شناسانه دارد، یعنی شرایطی را تعیین می‌کند که تحت آن‌ها می‌توان جهان را به نحوی خاص تجربه کرد و نشان داد، شرایطی که تحت آن‌ها جهان می‌تواند متعلق نوعی خاصی از تجربه و شناخت قرار گیرد (همان: ۱۹).

او فرم‌ها را هم‌چون زبان‌هایی توصیف می‌کند که جهان یا جوهری از آن را می‌توان به آن‌ها ترجمه کرد. این زبان‌ها را می‌توان شاکله‌هایی کلی تلقی کرد که شرایطی را برای قابل فهم بودن جهان به مثابه کل یا وجوه خاصی از آن تعیین می‌کند (همان: ۱۹). از این رو، گزاره نیست که مفهوم فرم یا صورت را ابزار روش شناختی اصلی زیمل به‌شمار آوریم (همان: ۱۷).

برای مثال، علم فرم یا صورت است، زیرا پیش‌فرض‌های آن شرایطی را بیان می‌کند که تحت آن‌ها می‌توان هر پدیده‌ای را ابژه علم تلقی کرد. تاریخ به همین دلیل فرم است، یعنی هر پدیده‌ای تنها در صورتی می‌تواند متعلق شناخت تاریخی قرار گیرد که توسط مقولات مقوم تاریخ درک شود. همین مطلب برای فرم‌های هنر و دین نیز صادق است؛ بنابراین فرم مقوله‌ای شناخت‌شناسانه است (همان: ۱۹-۲۰).

زیمل ادعا می‌کند که فرم‌های خاصی وجود دارند که می‌توانند «تمام درون‌مایه‌های منطقاً ممکن بی‌شمار» را طوری درک و احاطه کنند که یک جهان یا کیهان یک‌پارچه تولید شود. مثال‌هایی که زیمل از چنین فرم‌های جهانی یا کلی ذکر می‌کند شناخت، هنر، دین، ارزش، و معناست. جهان‌های متفاوتی که به وسیله این فرم‌های جهانی قوام می‌یابد «همه بر یک سطح هستی‌شناختی واحد قرار می‌گیرند» (همان: ۲۸).

زیمل بر آن است که جهان توسط انواع کثیری از فرم‌ها قوام می‌یابد. محتوای واحد یک پدیده ممکن است پذیرای فرم‌های متفاوتی باشد و فرمی واحد ممکن است در محتوا یا درون‌مایه‌های بسیار متفاوت پدیده‌های مختلف تحقق یابد. این موضوع در مورد انسان نیز صادق است. به دلیل این‌که رفتارها و کنش‌های انسان توسط انواع متفاوتی از فرم‌ها قوام می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که هر پدیده مفروضی ممکن است نه تنها متعلق شناخت

نظری، بلکه متعلق ارزیابی زیبایی‌شناسانه و معنای مذهبی نیز باشد. از منظر زیمل، هر جنبه‌ای از واقعیت همین خصیصه را نمایش می‌دهد که می‌تواند به انواعی از فرم‌ها درک و دریافت شود (همان: ۲۶-۲۷).

نکته بسیار قابل تأمل در فرم‌های جهانی یا کلی این است که زیمل ارزش هستی‌شناختی آن‌ها را یک‌سان می‌داند، بدین معنی که ارزش هستی‌شناختی فرم شناخت و علم بیش‌تر از ارزش هستی‌شناختی هنر و دین نیست. از دیدگاه زیمل، هیچ‌یک از فرم‌ها بر دیگری سلطه ندارد و هیچ‌یک فرد را از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند. این نکته متضمن این موضوع است که نیل به جامعیت در مطالعه مستلزم تأمل درباره پدیده‌ها براساس همه فرم‌های مقوم است. زیمل به امکان عدم قطعیت در خطوط مرزی میان فرم‌ها در موارد خاص اعتراف می‌کند، اما قائل است که امکان تلاقی یا هم‌پوشی این فرم‌های جهانی وجود ندارد. علت آن است که هر یک از این فرم‌ها «تمامیت ماده خام کیهان را به‌زبان خاص خود بیان می‌کند» (همان: ۲۸-۲۹).

حال پس از معرفی اجمالی نظریه فرم‌های زیمل چونان روش‌شناسی آثار او، که آشکارا رویکردی ضدتخصص‌گرایی آکادمیک دارد، نحوه به‌کارگیری این روش در کتاب *فلسفه پول* و همچنین مهم‌ترین مفاهیم و مقولات این کتاب را بررسی می‌کنیم.

۳. فلسفه اشیا

زیمل چونان فیلسوف، برخلاف سنت فلسفی و روش متعارف فیلسوفان گذشته و معاصر خویش، مطالعه خود را از پدیده‌های سطحی و اشیا آغاز می‌کرد. به‌گفته پیتینن، از منظر فلسفی، نمایش زیمل از اشیا در زمان خودش کاملاً انقلابی ظاهر شد. تا آن زمان، فلسفه خود را به آنچه کلی، ابدی، ازلی، و عمیقاً مهم بود مشغول داشته بود، اما زیمل با نظریه‌پردازی اشیا توجه خود را به آنچه دنیایی، زودگذر، و بی‌اهمیت به‌نظر می‌رسید معطوف کرد. حتی تئودور آدورنو، که زیمل را در موارد دیگر به باد انتقاد گرفته بود، از او به‌دلیل اعمال تغییر در تمرکز فلسفه به اشیا انضمامی تقدیر کرد (Pyhytinen 2010: 112).

البته مراد زیمل از اشیا فقط چیزهای محسوس و مادی نبود، بلکه هم‌چنین مقولات، هنجارها، بازنمایی‌ها، آثار هنری، یافته‌های علمی، فرم‌های اجتماعی، و مانند آن‌ها را در بر می‌گرفت (ibid.: 113). در *اندیشیدن درباره اشیا*، زیمل ره‌یافت خود را به‌ویژه با افلاطون و هگل مقایسه می‌کند. برخلاف افلاطون، زیمل سطح ظاهری اشیا را صرفاً نمودار و کم‌وبیش بازتاب ناقص جهان مثل نمی‌بیند، هم‌چنان‌که زیمل تلاش نمی‌کند که اموری

سطحی را به سطح اصالت فلسفی ارتقا دهد، آن‌چنان‌که هگل انجام داده بود. برخلاف افلاطون و هگل، فلسفه زیمل انضمامی است، به این معنا که اشیا را در سادگی و سطحی‌بودنشان جدی می‌گیرد (ibid.).

زیمل در کتاب *فلسفه پول* به‌طور کامل به فلسفه اشیا خود متعهد است. دیوید فریزبی یادآور می‌شود که سرآغاز او برای تحلیل اهمیت پول «سطح ظاهری امور اقتصادی» و «جزئیات و ظواهر زندگی»، «سطحی‌ترین»، «واقعی‌ترین»، «تصادفی‌ترین پدیدارها»، و «بی‌تفاوت‌ترین سطح زندگی با کم‌ترین حد ایدئالیستی بودن» بوده است. از آن سطح «یک میل ژرف‌سنج»، «یک رهنمون»، را می‌توان «در اعماق اصلی آن انداخت»، تا آن‌که فاش کند چگونه «هریک از عناصرش حامل کلیت معنای آن است و توسط آن حمل می‌شود» (زیمل ۱۳۹۷: ۵۹).

درواقع، زیمل از پدیده‌های سطحی و اشیا آغاز می‌کند و با ژرف‌اندیشی در پیوندهای آن‌ها با یک‌دیگر تلاش می‌کند که کلیت معنای زندگی را در هر یک از جزئیات آن نمودار کند. به‌گفته فریشایزن - کهلر، قصد زیمل در کتاب *فلسفه پول*، آن‌گونه‌که خود آن را صورت‌بندی کرده است، کشف کردن راهی از سطح رویدادهای اقتصادی به سوی ارزش‌های غایی و اهمیت هرچیز انسانی است. عنصری اقتصادی، از قبیل پول، همانا باید خود را به‌مثابه نماد دائماً معتبر فرم‌های ذاتی حرکت عیان کند (همان: ۹۵). کراکاوئر نیز بر آن است که مفهوم هسته‌ای وحدت‌بخش کتاب *فلسفه پول* را می‌توان به‌طور خلاصه چنین بیان کرد که از هر نقطه‌ای از این کلیت می‌توان به هر نقطه دیگری رسید، هر پدیداری بر دیگری تکیه می‌کند و حامی آن است (همان: ۱۰۰).

این پیوند میان سطح پدیدارها و آنچه در زیر قرار می‌گیرد درون‌مایه‌ای روش‌شناختی در چند اثر زیمل است (همان: ۶۰)، اما به‌گفته فریزبی، این کثرت سرآغازها و این درهم‌تنیدگی همه چیزها و شبکه پیوندها کشف چیزی را که به‌روشی نظام‌مند نزدیک باشد در رویه‌های او برای خوانندگان دشوار می‌کند. از این‌رو، خود زیمل دل‌مشغولی به روش‌شناسی را به‌مثابه نوعی شیء‌شدگی می‌دانست و روش را چیزی تقریباً مشابه با سبک در هنر تلقی می‌کرد (همان).

حال، پس از معرفی نظریه فرم‌ها و رویکرد روش‌شناختی و فلسفه‌ورزی زیمل در کتاب *فلسفه پول*، مهم‌ترین مفاهیم و مضامین این کتاب را معرفی می‌کنیم. پس از آن، کتاب و نسبت *فلسفه پول* با تخصص‌گرایی در جهان معاصر، به‌ویژه جامعه‌نخبگانی ایران، را نقد خواهیم کرد.

۴. معرفی کتاب

کتاب *فلسفه پول* در نگاهی کلی به دو بخش عمده تحلیلی و ترکیبی تقسیم می‌شود. هر یک از بخش‌ها شامل سه فصل است و هر فصل خود شامل سه زیرمجموعه از سرفصل‌هاست. از دیدگاه زیمل، فرم‌ها از درون زندگی خلق می‌شوند، بدین معنی که نیازهای اولیه آدمیان فرم‌های اولیه یا پیش‌فرم‌هایی را خلق می‌کند. زیمل در بخش تحلیلی، یعنی در سه فصل نخست کتاب، نیازها و شرایطی پیشینی‌ای را که موجب فرم‌های اولیه‌اند شرح می‌دهد تا از این ره‌گذر تبدیل شدن آن‌ها به فرم اقتصاد پولی بالغ را توضیح دهد. در سه فصل آخر تأثیرات این فرم اقتصاد پولی بالغ در زندگی و روابط میان آدمیان را بررسی می‌کند (همان: ۱۸-۱۹).

یک بخش درصدد است ذات پول را براساس شرایط و پیوندهای زندگی در کل روشن و قابل فهم کند و بخش دیگر درصدد است ذات و سازمان‌مندی زندگی را براساس تأثیر و کارایی پول روشن و قابل فهم کند.

اشمولر هدف از تألیف کتاب را «پی‌بردن به آنچه اقتصاد پولی، مخصوصاً اقتصاد مدرن قرن نوزدهم، با آدمیان و جامعه، با روابط و توافق‌هایشان کرده است» می‌داند. «پول می‌شود گفت هم‌چون نقطه کانونی، کلید، مظهر زندگی اقتصادی مدرن، و مشغله‌هایش می‌نماید».

او آنچه را ما از پول به‌لحاظ تاریخی و اقتصادی آن‌گونه‌که بوده است می‌دانیم ماده خامی تلقی می‌کند، تا آن‌که از آن به‌لحاظ جامعه‌شناختی و فلسفی استفاده کند، به‌منظور آن‌که نتایج روان‌شناختی، اجتماعی، علمی، و فرهنگی از آن اخذ کند (همان: ۱۰۱).

اگر هدف اصلی نگارش *فلسفه پول* را، آن‌چنان‌که اشمولر می‌گوید، تحلیل زندگی مدرن بدانیم، با توجه به رواج اندیشه‌های مارکسیستی در آن دوران، هدف ضمنی آن را می‌توان واکنش زیمل به اندیشه ماتریالیسم تاریخی دانست. فریزی تصریح می‌کند که زیمل از طریق نوع خاص تحلیلش از پول و زندگی اقتصادی درصدد بود تا

طبقه‌ای جدید در زیر ماتریالیسم تاریخی بسازد، به طوری‌که ارزش تبیینی ادغام زندگی اقتصادی در آرمان‌های فرهنگ فکری حفظ شود، درحالی‌که این فرم‌های اقتصادی خود به‌مثابه حاصل ارزش‌گذاری‌ها و جریان‌های ژرف‌تر پیش‌شرط‌های روان‌شناختی یا حتی متافیزیکی شناخته شوند (همان: ۹۹).

۵. اقتصاد پولی

هم‌چنان‌که اشاره شد، بنابر ره‌یافت زیمل هر پدیده سطحی و جزئی می‌تواند مظهر و نمودی از کلیت معنای زندگی باشد. پدیده پول برای زیمل از ظرفیت و توان بالقوه شگفت‌انگیزی در شناخت و نشان‌دادن ماهیت نه‌تنها اقتصاد، بلکه زندگی مدرن برخوردار است. کارل یوئل در این باره می‌گوید:

معنای پول برای او چیزی بیش‌تر از پول بوده است، به این علت که پول از نظر او نمادی برای جهان است. زیمل تصویری از مبادله به‌مثابه کل، چونان تصویری از مناسبات مشترک نامتناهی، ارائه می‌کند که نهایتاً خود را به‌صورت اصل مسلط یک جهان‌بینی بسط داده است (همان: ۹۵).

اشمولر، با تأکید بر بعد فلسفی مطالعه زیمل، بر آن است که درست همان‌طور که دورکیم برداشتی جامعه‌شناختی - فلسفی از تقسیم کار ارائه می‌دهد، زیمل نیز درصدد است برداشتی مشابه از پول یا می‌توان گفت از فرم‌های اقتصادی مدرن به‌مثابه کل ارائه دهد، چه او کارش را به فراسوی پول می‌کشاند. او هرآن‌چه را باید درباره اقتصاد مدرن بگوید پیرامون پول به‌مثابه مرکز این پدیدارهای گرد می‌آورد (همان: ۱۰۲). آلتمان، با اشاره به نگاه فرم اقتصادی به جهان به‌مثابه بازار بزرگ، تأکید می‌کند که فقط پدیداری اقتصادی مثل پول می‌تواند در کلیتش تصویری از جهان بدهد که در آن هرچیزی جزئی از کل است (همان: ۱۰۲-۱۰۳).

نظر به جایگاه اقتصاد در جهان مدرن و هم‌چنین نقش مبادله و اقتصاد پولی در آن، در تحلیل مدرنیسم نقش پول در کانون توجه زیمل قرار می‌گیرد. زیمل از دو حیث پول را تحلیل می‌کند: نخست، به‌مثابه میانجی مبادله که ویژگی بارز اقتصاد مدرن است؛ و دوم، به‌مثابه معادل ارزش در اقتصاد پولی. فریزبی در دیباچه ویراست سوم به جایگاه اقتصاد پولی به‌مثابه مدرنیته و نقش پول در جامعه سرمایه‌داری به‌مثابه میانجی کلی میان چیزها اشاره می‌کند که معادل کلی همه ارزش‌هاست (همان: ۶۰-۶۱).

زیمل در توضیح میانجی‌گری پول می‌گوید که ما را حتی در فاصله بنیادی‌تری از ابژه‌ها قرار می‌دهد، به‌نحوی که بی‌واسطگی تأثرات، حس ارزش، و علاقه به چیزها ضعیف می‌شود و تماس ما با آن‌ها قطع می‌شود و آن‌ها را فقط توسط میانجی‌گری پول تجربه می‌کنیم. از این رو، پول اجازه نمی‌دهد که آن‌ها هستی کامل، خودمدار، و بی‌واسطه خود را به‌طور کامل ابراز کنند (همان: ۶۱).

پول نه تنها در زندگی روزمره چونان میانجی و هم‌چنین معادل کلی همه ارزش‌ها رسوخ می‌کند، بلکه

خود را به اوج کاملاً انتزاعی، فراسوی همه انواع گسترده ابژه‌ها، به‌مثابه آن نقطه مرکزی برمی‌کشد که در آن کانون، متضادترین، بیگانه‌ترین، دورترین چیزها مبنای مشترک و نقطه اتکایشان را می‌یابند (همان: ۶۱).

این قلمروی مبادله پولی خود استقلالی کسب می‌کند که در آن مبادله صرفاً «محض دو فرایند دادن و گرفتن نیست، بلکه پدیدار جدید سومی است» (همان: ۶۱). این پدیدار جدید و مستقل خاصیتی فرهنگی دارد. اسودبرگ در این باره تأکید می‌کند که پول جوهر مبادله است و این تلقی ذاتی از پول چونان پدیدار فرهنگی است (اسودبرگ ۱۹۹۴: ۲۱۵).

فریزبی در توضیح وجه فرهنگی پول مطرح می‌کند که در کتاب *فلسفه پول*، تحلیل درهم‌تیدگی‌های پدیدارها براساس نظریه فرم‌ها از سطح انضمامی شدن تاریخی پدیدارها فاصله می‌گیرد و پدیدارهای مورد مطالعه را به سطحی انتزاعی‌تر منتقل می‌کند. از این رو همان‌طور که لیبر می‌گوید، نقد زیمل باید به‌مثابه نقد فرهنگ به‌جای زمینه اقتصادی - اجتماعی، و سیاسی آن فهمیده شود. بدین معنی که هرگاه بعد تاریخی از تحلیل پدیدارها غایب است، تأثیرات پول و اقتصاد پولی تقدیر کل فرهنگ می‌شود. فریزبی نتیجه‌گیری می‌کند که تحلیل زیمل از پول «باید آنچه فراسوی انضمامی شدن اقتصادی‌اش به‌مثابه نماد یا شاخصی برای فرایند بسیار بنیادی‌تر بسط می‌یابد تلقی شود: فرایند عینیت‌یافتگی امر سوپژکتیو و کمی شدن امر کیفی» (زیمل ۱۳۹۷: ۱۲۹). زیمل، خود، *فلسفه پول* را تلاشی می‌داند «برای آن‌که از سطح رویی امور اقتصادی رهنمونی اتخاذ کند که به ارزش‌های غایی و امور بااهمیت در هرآنچه انسانی است، بینجامد» (همان).

۶. عینیت‌یافتگی / شیء‌شدگی

مبادله به‌صورت تهاتر پیش از ظهور پول در جامعه انسانی رواج داشته است. میانجی بودن پول در دادوستدها به فرایند «دادن» و «گرفتن» محدود نمی‌شود، بلکه پول خود را، به‌مثابه پدیداری جدید، معادل کلی همه ارزش‌ها برمی‌کشد. بدین ترتیب مبادله و پول از قلمروی خواست‌ها و آرزوهای شخصی و بی‌واسطه سوژه فراتر می‌رود و در جهان خارج از ذهن و روان سوژه عینیت می‌یابد.

به‌زعم زیمل، چیزهایی که زمانی آشنا بودند بدل به انبوهی از کالا شده‌اند که هیچ داستانی درباره آن‌ها وجود ندارد که گفته شود، زیرا آن‌ها هیچ تاریخی ندارند. پول چیزها را قابل جابه‌جایی کرده است. «هم ابژه‌های مادی و هم ابژه‌های فکری امروزه مستقلاً بدون هیچ نماینده یا حمل‌ونقل شخصی، حرکت می‌کنند. ابژه‌ها و افراد از یک‌دیگر جدا شده‌اند» (همان: ۶۱-۶۲).

زیمل تأکید می‌کند قلمروی مبادله ارزشی قلمرویی است که «کم‌وبیش کاملاً جدا از شالوده سوژکتیو - شخصی» است، قلمرویی که شکل «سازوکاری خودکار» و «قلمرویی عینی» را دارد. درون این قلمروی خودمدار، پول شیء‌کننده تمام روابط «کارکرد شیء‌شده مبادله‌شدن» است. پول «در قلمرویی سازمان‌یافته طبق قواعد خاص خود» به‌مثابه «واسطه ای مطلق» واقع می‌شود. «پول ... چیزی نیست مگر فرم محض مبادله‌پذیری» (همان: ۶۱-۶۳).

هانس بورینگر درباره عینیت‌یابی مبادله در جهان مدرن بر آن است که پول سبک زندگی را عینیت می‌بخشد و مردم کلان‌شهرها را مجبور به بی‌اعتنایی، عقلانیت، فقدان سرشت، و ویژگی خاص فردی می‌کند. پول آدمیان را به‌صورت غریبه‌ها جامعه‌پذیر می‌کند. پول هم‌چنین آدمیان را به اعیان و اشیای محض تبدیل می‌کند. زیمل در فلسفه پول نظریه‌ای را درباره بیگانگی طرح‌ریزی می‌کند که بر فرایند عینیت‌یابی مبتنی است و تا حد زیادی معطوف به نشان دادن بیگانگی فرهنگ و چاره‌ناپذیری آن فرایند است. زیمل غالباً مفهوم شیء‌شدگی را به کار می‌گیرد، مفهومی که نه تنها مارکس، بلکه نیچه هم به کار گرفته است (همان: ۱۱۴).

۷. سوژه - ابژه

بنابر عینیت‌یابی پدیدارهای شخصی و بی‌واسطه در فرایند مبادله در اقتصاد پولی، زیمل جهان مدرن را این‌گونه روایت می‌کند که چیزهایی که زمانی برای سوژه‌ها آشنا بودند بدل به انبوهی از کالا شده‌اند که هیچ داستانی درباره آن‌ها وجود ندارد، زیرا آن‌ها هیچ تاریخی ندارند. هم‌چنین، پول همه‌چیز را قابل جابه‌جایی کرده است، «هم ابژه‌های مادی و هم ابژه‌های فکری امروزه به‌طور مستقل حرکت می‌کنند و ابژه‌ها و افراد از یک‌دیگر جدا شده‌اند» (همان: ۶۱-۶۲).

زیمل، با توجه به دور شدن انسان از حاصل کار خود و استقلال‌یافتن ابژه‌های مادی و فکری، تصویری از بیگانگی انسان از محصولش و از فرهنگی که خود او تولید کرده است

ترسیم می‌کند، بیگانگی‌ای که ملازم از هم دور شدن فرهنگ سوپژکتیو و ابژکتیو است و به تقسیم کار «برحسب اهمیتش نه تنها در مصرف، بلکه در تولید نسبت داده می‌شود». تکه‌تکه شدن فزاینده تولید و نیز آدمیان به یک‌سان شدن تدریجی آن‌ها و از میان رفتن فردیتشان می‌انجامد. از این لحاظ، سوژه‌های انسانی از هستی نوعی شان بیگانه می‌شوند. زیمل شرح قابل توجهی از فرایندهای تکه‌تکه شدن، ذره‌ذره شدن، عینیت یابی، شیء‌شدگی، و یک‌سان‌سازی که تقسیم کار آن‌ها را پدید آورده است به ما ارائه می‌دهد (همان: ۱۲۲).

در فلسفه پول، این تراژدی از عینیت یابی سوژه انسانی ناشی می‌شود، اما نه آن‌گونه که در آرای هگل به‌مثابه بیرونی شدن ضروری سوژه انسانی در فرایند خودآگاهی است، بلکه زیمل به جای آن دوگانگی سوژه - ابژه را به ما عرضه می‌کند، دوگانگی زندگی و فرم، دوگانگی فرهنگ سوپژکتیو و ابژکتیو (همان: ۱۲۹). فریزبی در نتیجه‌گیری خود بر آن است که زیمل در فلسفه پول سلطه فرهنگ عینی بر فرهنگ سوپژکتیو و تضاد میان این دو قلمرو فرهنگی را نشان می‌دهد (همان: ۶۶).

۸. مدرنیته

در اقتصاد پولی جهان معاصر، عینیت یابی مبادله پولی و شیء‌شدگی پول به‌مثابه میانجی میان چیزها حاکی از سلطه فرهنگ عینی بر فرهنگ سوپژکتیو است. سلطه فرهنگ ابژکتیو رفته‌رفته به رسوخ در فرهنگ سوپژکتیو شخصی می‌انجامد و کلیت زندگی آن را رقم می‌زند. برپایه نگاه زیمل، پول، به‌مثابه جزئی از کلیت معنای زندگی، نمودی از مدرنیته است. فریزبی بر آن است که این قلمرو مبادله پولی قلمروی پویاست که در آن پول «شیء‌شدگی رابطه محض میان چیزهاست، آن‌گونه که در جابه‌جایی اقتصادی‌شان بیان می‌شوند» (همان: ۶۳).

به زبان اقتصاد پولی، حرکات در خودبسته قلمرو گردش پول و مبادله، که بعد مهمی از فرهنگ عینی‌اند، نه تنها در حال گسترش درون آن فرهنگ‌اند، بلکه در حال رسوخ در خود فرهنگ سوپژکتیو نیز هستند. سبک مدرن زندگی این «سیالیت نامتناهی» را نمایش می‌دهد (همان: ۶۴). فریزبی بر آن است که زیمل در فلسفه پول بیش‌تر از هر اثر دیگری به تسخیر کلیت زندگی مدرن نزدیک می‌شود (همان: ۹۹) و کلیت روح عصر را از تحلیلش درباره پول اخذ می‌کند. کارل یونل فلسفه پول او را «فلسفه عصر» می‌نامد (همان: ۱۰۰).

در عصر مدرن، خواست‌ها و آرزوهای شخصی تحت سیطره فرهنگ مبادله‌شیء شده به خدمت اقتصاد پولی درمی‌آیند، نه این‌که اقتصاد در خدمت انسان‌ها باشد؛ از این‌رو در دوره مدرن، عینیت‌یافتگی و سلطه فرهنگ ابژه استقلال افراد را تهدید می‌کند. زیمل در این‌باره می‌گوید: «بنابراین، می‌توان به درستی طرح اصلی دوره مدرن را این‌طور بیان کرد که آدمیان را هرچه بیش‌تر وابسته به کلیت‌ها و کل‌ها و هرچه بیش‌تر مستقل از جزئی‌ها می‌کند» (همان: ۱۱۲). به گفته اسودبرگ، زیمل وجه مثبت تاریخ را می‌بیند، برای نمونه رشد آزادی و فردیت، اما در عین حال تهدیدی را نیز در رشد فرهنگ و نهادها تشخیص می‌دهد: مفهوم «تراژدی فرهنگ» و «روح عینی» (Swedberg 1996: 216).

۹. زیبایی‌شناسی

زیمل درباره زیبایی‌شناسی بر آن است که «داوری زیبایی‌شناختی به تصویر محض چیزها، به نمود و فرمشان، صرف‌نظر از این‌که آیا واقعیتی قابل ادراک آن‌ها را تأیید می‌کند یا نه» مربوط می‌شود. از آن‌جاکه از منظر زیمل اثر هنری «به‌مثابه جهانی برای خویش در مقابل هرآن‌چه بیرون از آن وجود دارد» تعریف می‌شود، قرابتی با فرهنگ عینی و درحقیقت با «فرهنگ چیزها به‌مثابه فرهنگ موجودات انسانی» دارد که او در فلسفه پول آن را تحلیل می‌کند. به‌طور کلی، ابعاد زیبایی‌شناختی‌ای که زیمل در جاهای دیگر آن‌ها را برجسته می‌کند، از قبیل رابطه میان امر قطعه‌قطعه و امر کلی، فاصله میان سوژه و ابژه، و تقارن و عدم تقارن فرم‌ها، همه در بررسی او از اقتصاد پولی مطرح می‌شوند (زیمل ۱۳۹۷: ۶۷).

باتوجه به تقابل و بلکه سلطه فرهنگ ابژکتیو بر فرهنگ سوژکتیو که از دوگانه سوژه — ابژه برمی‌خیزد، دغدغه زیمل یافتن راهی برای سازگاری میان این دو بوده است. زیمل، باتوجه به خودمداری و شخصی‌بودن قلمرو هنر و زیبایی‌شناسی، آن را قلمروی مناسب برای آشتی فرهنگ سوژکتیو و ابژکتیو می‌داند. همین‌گونه او پول را، که معادلی کلی برای ارزش‌های متفاوت و شخصی است، عرصه مناسبی برای سازگار کردن خواست‌های متفاوت و بلکه متعارض تلقی می‌کند. به گفته فریزی، از منظر زیمل، قلمروی بالقوه برای آشتی فرهنگ سوژکتیو و ابژکتیو قلمروی زیبایی‌شناختی است که با عنایت به خودمداری آن، دارای قرابت‌هایی با قلمرو شیء‌شده مبادله و گردش است که به‌وسیله پول تسهیل می‌شود (همان: ۶۲).

گلدشاید بر آن است در پس کل آثار زیمل ایدئال زیبایی شناختی و نه اخلاقی قرار دارد و این ایدئال زیبایی شناختی است که کل تفسیر او را از زندگی و بنابراین کل فعالیت علمی زندگی او را تعیین می‌کند (همان: ۱۰۵). فریزی تأکید می‌کند این زیبایی‌نگری در فلسفه پول جایگاه مرکزی دارد، هم برحسب رویکرد زیمل به موضوع پول و هم نظر به دل‌مشغولی او به تراژدی فرهنگ (زیمل ۱۳۹۷: ۱۲۵).

۱۰. هدف - وسیله

پول به‌مثابه معادل کلی ارزش و میانجی در مبادله‌های دوره مدرن نقش وسیله‌ای کارآمد را ایفا می‌کند. اما عینیت یابی مبادله و شیء‌شدگی پول موجب می‌شود که نقش وسیله‌ی پول از نظر پنهان و پول چونان هدف در همه شئون زندگی ظاهر شود. هوفمانستال به‌نقل از زیمل از پول به‌مثابه غایت همگانی، در جایی که درواقع وسیله همگانی است، یاد می‌کند. چه آن‌که اهداف واقعی عمل ما در بسیاری از اوقات از ما مخفی است. این‌که وسایل به اهداف تبدیل می‌شوند به‌واسطه این موضوع توجیه می‌شود که درنهایت اهداف نیز فقط وسایل‌اند (همان: ۷۴).

تحقیق مفصل زیمل درباره عقلانیت مبتنی بر هدف - وسیله در زمینه کنش هدف‌مند به‌منظور نشان‌دادن این است که پول آشکارترین نمونه وسیله‌ای است که به هدف تبدیل شده است (همان: ۱۰۹). زیمل بر آن است که تفوق و برتری وسایل بر اهداف و غایات آن‌جا کمال می‌یابد که امر پیرامونی در زندگی، یعنی چیزهایی که بیرون از ذات اصلی زندگی قرار می‌گیرند، ارباب مرکز آن و حتی ارباب خودمان شده‌اند. اگر کلیت زندگی را در نظر بگیریم، آن‌گاه کنترل طبیعت به‌وسیله تکنولوژی فقط به‌بهای اسیرشدن در آن و با کنارگذاشتن و از دور خارج کردن امر روحانی و معنوی، به‌مثابه مرکز اصلی زندگی، امکان‌پذیر است (همان: ۶۴۲).

۱۱. فرم دین

دانیل سیلور و کریستی اونی در مقاله خود به‌نام «اهمیت استعاره‌های دینی در فلسفه پول» بر آن‌اند که کتاب فلسفه پول غرق در زبان دینی است (همان: ۳۹-۴۰). آنان اندیشه دینی زیمل را به مطالعه او درباره پول پیوند می‌دهند. به‌زعم آنان، سه کیفیت دینی ایمان، وحدت، و فردیت در رفتار و کردار پولی نیز در کار است (همان: ۴۰). به‌عبارت‌دیگر، زیمل در تبیین فلسفه پول از فرم دینی هم برای مطالعه پول استفاده می‌کند.

مسمی پرست یادآور می‌شود موضوعی که احتمالاً بیش از همه درباره‌اش بحث شده است این گفته زیمل است که مبادله وابسته به فرم «شبه‌دینی» اعتماد است. اعتماد، که رکن اصلی شکل‌گیری اقتصاد پولی مدرن است و بدون آن هیچ اقتصاد پولی ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، از نگاه فرم دینی نوعی ایمان به‌شمار می‌رود. شاید تکان‌دهنده‌ترین مثال مقایسه آشکار زیمل میان پول و خداست، هنگامی که می‌گوید هر دو در روان‌شناسی مشابهی ریشه دارند (همان: ۴۲).

جوهر عمیق تر تصور خدا در این موضوع قرار دارد که تمام عناصر متنوع و تناقضات جهان در او به وحدت دست می‌یابند. از نگاه فرم دینی، پول هرچه بیش تر نمود و معادل همه ارزش‌ها می‌شود، بالاتر از همه ابژه‌ها و مرکزی می‌شود که در آن بیگانه‌ترین و دورترین اندیشه‌ها با یکدیگر ملاقات می‌کنند (همان: ۷۴).

مسمی پرست نشان می‌دهد این ادعا که پول به شخص امکان می‌دهد تا شخصیتش را «بدون باقی مانده‌ای» بیان کند هم چنین شباهت ظریفی با این تصور دارد که در برابر خدا قرار گرفتن به معنی جانگذاشتن هیچ جزئی از خویش است. زیمل در توصیف خویش از «تشخص خدا» هم چون «فرمی از آگو بدون هیچ باقی مانده‌ای» به این گرایش نهفته اشاره می‌کند. پول از منظر زیمل به گونه‌ای به انسانیت امکان می‌دهد که تقریبی از الوهیت ایجاد کند (همان: ۴۲).

زیمل در تبیین پیوندهای دین‌داری با پول این موضوع را مطرح می‌کند که پول چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های تجربه دینی استفاده کند (همان: ۴۳). او به‌طور خاص بر رابطه میان «فرزند مخلص و مطیع با والدینش»، «میهن پرست پرشور با کشورش»، «شخص جهان‌وطن پرشور با انسانیت»، و «سرباز حقیقی با ارتشش» تأکید می‌کند. همه این‌ها دارای «فرمی روان‌شناختی» اند که فقط می‌توان آن‌ها را دینی توصیف کرد. چنین کیفیاتی مرزهای خود آدمی را می‌گشاید و متضمن تجربه بسط‌یافتن به فراسوی خویشتن است، به نحوی که در این تجربه شخص با دیگری ای مواجه می‌شود که می‌تواند خودخواهی شخص را به صمیمی‌ترین شیوه دگرگون کند. اگر پول نیز دارای این «فرم روان‌شناختی» باشد، پس درمی‌یابیم ظرفیت‌هایی که روابط پولی پرورش می‌دهند مشابه آن‌هایی خواهد بود که ادیان برمی‌گزینند و تا نهایت درجه آن‌ها را می‌پروراند (همان: ۴۳-۴۴).

پس از معرفی محتوای کتاب فلسفه پول، نسبت آن را با تخصص‌گرایی آکادمیک در جهان معاصر، به‌ویژه آموزش عالی کشور و جامعه نخبگانی، بررسی می‌کنم.

۱۲. نسبت فلسفه پول با آکادمی ما

بررسی نسبت کتاب *فلسفه پول* با آکادمی ما قطعاً مستقل از نسبت این کتاب با سپهر علمی معاصر نیست؛ از این رو، بررسی نسبت ما و این کتاب در واقع به مطالعه‌ای مربوط می‌شود درباره‌ی چرایی این که پس از نزدیک به یک سده غفلت یا چشم‌پوشی آگاهانه از این کتاب آکادمی‌ها و انجمن‌های علمی جهان به این کتاب روی آورده‌اند. پاسخ این پرسش در رویکرد فرارشته‌ای^۱ این کتاب در برابر تخصص‌گرایی آکادمیک، در مواجهه‌شدن با مسئله بس مهمی چون پول، نهفته است.

پس از نقد اندیشمندان و مکاتب مختلف پست‌مدرن، تفهیمی، هرمنوتیک، و انتقادی به رویکرد اثبات‌گرایی و روشن‌شدن آسیب‌ها و کاستی‌های رویکرد رشته‌ای و تخصص‌گرایانه به علم، آکادمی‌ها رفته‌رفته به ره‌یافت فرارشته‌ای روی آوردند. گودشتاین یادآور می‌شود که توجه انتقادی به تبارشناسی شاخه‌های علمی معاصر، به‌ویژه به تاریخ‌مندی فعالیت‌های تئوریک معاصر، به افزایش پیچیدگی روش‌شناختی گفتمان میان‌رشته‌ای و از این رو به مشارکت در بازاندیشی درباره‌ی تنگناهای علمی و نظری معاصر کمک می‌کند. شیوه متمایز «فرا» یا «میان» رشته‌ای نظریه‌پردازی زیمل، که در *فلسفه پول* متبلور شده است، در پرتو پیشرفت‌های آغازشده از سال ۱۹۸۹ دوباره مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، بازگشت به این اثر فرصتی برای بازبینی در مفروضات و فعالیت‌های اصلی تحقیقات فرهنگی معاصر فراهم می‌کند (Goodstein 2017: 250).

زیمل بر آن است که جهان توسط انواع کثیری از فرم‌ها قوام می‌یابد. محتوایی واحد ممکن است پذیرای فرم‌های متفاوتی باشد و فرمی واحد ممکن است در محتوا یا درون‌مایه‌های بسیار متفاوتی تحقق یابد. به نظر او، از آن‌جاکه انسان توسط انواعی از چشم‌اندازها قوام می‌یابد، کثرات متجانس واحدی به‌وسیله‌ی انواعی از فرم‌ها قوام می‌یابد. بنابراین، هر پدیده مفروضی ممکن است نه‌تنها متعلق شناخت نظری، بلکه ارزیابی زیبایی‌شناسانه و معنای مذهب باشد. از منظر زیمل، هر جنبه‌ای از واقعیت همین خصیصه را نمایش می‌دهد که می‌تواند به انواعی از فرم‌ها درک و دریافت شود (زیمل ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷).

زیمل تأکید می‌کند که جهان‌های متفاوتی که به‌وسیله‌ی این فرم‌های جهانی قوام می‌یابد «همه بر یک سطح هستی‌شناختی واحد قرار می‌گیرند» و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارند (همان: ۲۸).

مهم‌ترین دلیل بازخوانی اندیشه‌های زیمل از اواخر قرن بیستم در آکادمی‌ها و انجمن‌های علمی جهان رویکرد فرارشته‌ای او به پدیده‌ها و اشیا برخلاف تخصص‌گرایی آکادمیک رایج است. آکادمی ما نیز چونان بخشی از این جهان که از جریان‌های علمی آن اثر می‌پذیرد در چنین نسبتی با فلسفه پول است. برای توضیح بیش‌تر این نسبت، به بررسی سه مسئله عمده درباره آموزش و پژوهش در کشور می‌پردازم: مسئله‌مندی، فرارشتگی، و نسبت علم و دین.

۱,۱۲ مسئله‌مندی

منظور از مسئله‌مندی در این‌جا این است که موضوع مطالعه دارای ربط اجتماعی باشد (Alatas 1995: 125). مسئله‌مندی یعنی ربط‌داشتن موضوع تحقیق به جامعه، اعم از ربط‌داشتن به چالش‌ها و مشکلات انضمامی جامعه و ربط‌داشتن به گفتمان‌ها و مناقشات نظری در جامعه نخبگان. بنابراین، در مطالعه مسئله‌مند، مشکلات، چالش‌ها، و پدیده‌های سطحی در جامعه می‌تواند سرآغاز تحقیق علمی در آکادمی‌ها باشد.

باتوجه به تعریفی که از مسئله‌مندی آورده شد، تحقیقات زیمل دقیقاً از ربط اجتماعی برخوردار است، چه آن‌که از پدیدارهای سطحی و پدیدارهای انضمامی آغاز می‌کند، نه از مفاهیم و نظریه‌های فلسفی. او با تحلیل عمیق اشیا و پدیدارها از سطح انضمامی به ژرفای فلسفی امور غور می‌کند. بدین ترتیب، زیمل نشان می‌دهد که نظری‌ترین رشته‌های علمی و شاخه‌های دانشی نیز می‌تواند معطوف به مسائل عینی و انضمامی جامعه باشند. آدورنو، با وجود اختلاف‌نظرهایی که با زیمل داشت، اذعان می‌کند که زیمل «نخستین کسی بود که در بازگشت فلسفه به موضوعات انضمامی توفیق یافت» (زیمل ۱۳۹۷: ۶۸).

او با نظریه‌پردازی اشیا توجه خود را به آن‌چه دنیایی، زودگذر، و بی‌اهمیت به‌نظر می‌رسید معطوف کرد (Pyyhinen 2010: 112-113).

از منظر زیمل، فلسفه را نباید مجموعه‌ای از آموزه‌ها و براهین دانست. فلسفه فرمی یا شکلی از زندگی یا شیوه‌ای از تجربه‌کردن جهان است. نتایج فلسفه‌ورزی کردن اصلاً احکام نیست، بلکه اظهاراتی حاکی از نگرش نوع خاصی از انسان است (زیمل ۱۳۸۶: ۳۴). فریزبی تأکید می‌کند که زیمل فلسفه پول را تلاشی می‌داند «برای آن‌که از سطح رویی امور اقتصادی رهنمونی اتخاذ کند که به ارزش‌های غایی و امور بااهمیت در هرآن‌چه انسانی است بینجامد» (زیمل ۱۳۹۷: ۱۲۹). از منظر لوکاچ، زیمل دارای «ظرفیتی است برای آن‌که کوچک‌ترین و

بی‌اهمیت‌ترین پدیدارهای زندگی روزمره را با قوتی آن‌چنان تام‌ذیل نوع فلسفه ببیند، به‌نحوی که وضوح یابد و در پس وضوح معنای فلسفی را آشکار کند» (همان: ۱۲۶). بنابراین، در بررسی نسبت میان فلسفه پول و آکادمی ما باید نگاه مسئله‌مند به اشیا و پدیده‌ها را در جامعه جدی گرفت. نگاه مسئله‌مند متأسفانه در بسیاری از آموزش‌ها و پژوهش‌های کشور مورد غفلت است. این غفلت نه‌تنها در رشته‌هایی که ماهیتی نظری دارند، حتی در شاخه‌هایی که بعد کاربردی و عملی دارند نیز فراوان به چشم می‌خورد. این‌گونه است که حتی رشته‌هایی مانند اقتصاد و جامعه‌شناسی و سایر علوم اجتماعی به علوم نظری محض تبدیل شده‌اند. زیمل در چرخش فلسفی خود به اشیا و پدیده‌ها نشان می‌دهد که حتی فیلسوف از این ظرفیت برخوردار است که به چالش‌ها و مشکلات انضمامی نگاهی ژرف و فلسفی داشته باشد. نکته‌ای که در کشور به شدت مورد غفلت است.

۲،۱۲ مطالعات فرارشته‌ای

همان‌گونه که یاد شد، یکی از چالش‌های آکادمی‌های ما و بلکه جهان سلطه دیسپلین‌ها و رشته‌های تخصصی است. غلبه تخصص علمی موجب شده است که مشکلات، پدیدارها، و مسائل کشور به‌نحو جامع و کامل مطالعه نشوند. فقدان ارتباط میان رشته‌های تخصصی متفاوت، چه در سطح نظر و چه در سطح عمل، هزینه‌های سنگین و گزافی را برای جامعه‌ها به‌بار آورده است. زیمل در واقع فیلسوفی فرارشته‌ای است، نه میان‌رشته‌ای، چه آن‌که او اصولاً مرزبندی رشته‌ها و تخصص‌گرایی آکادمیک را به رسمیت نمی‌شناسد تا تحقیق خود را در میان آن‌ها به پیش ببرد؛ او فراتر از رشته‌ها حرکت می‌کند.

فریزبی یادآور می‌شود که تلاش زیمل برای طرح‌ریزی فلسفه پول، به گونه‌ای که متمایز از اقتصاد یا روان‌شناسی پول باشد، هدف دائمی او در سرتاسر این اثر است (همان: ۹۸). با این نگاه فرارشته‌ای است که زیمل تأکید می‌کند «مسئله‌هیچ سویی‌ای از زندگی انسانی نیست که بتوان گفت فقط اقتصادی است» (همان: ۵۷).

گودشتاین تصدیق می‌کند که زیمل به‌آسانی در قلمرو شاخه‌های علمی متنوع جای نمی‌گیرد. مرزبندی‌ها میان اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تاریخ، حقوق و علوم سیاسی، و قلمروهای دیگر برای مضامین فلسفه پول بسیار سخت و متصلب بودند (Goodstein 2017: 215) و همین تنوع مقاصد در کار زیمل است که برای معاصرانش دست‌یافتن به منظر کلی فلسفه پول را دشوار کرده است (زیمل ۱۳۹۷: ۹۵).

تحقیقات زیمل به‌ویژه فلسفه پول او فراتر از رشته‌هاست. او با تعریف فرم‌های جهانی اصولاً از سطح دیسیپلین و رشته‌های علمی می‌گذرد و مسئله را در سطح معرفت‌شناسی‌های رقیب مطرح می‌کند. او شناخت یا علم را چونان فرم‌شناسی و معرفی می‌کند؛ اما درکنار آن از فرم‌های دیگری هم‌چون هنر و دین نیز سخن می‌گوید. زیمل برای شناخت علمی ارزش و اعتباری افزون‌تر از دیگر فرم‌ها قائل نیست، بلکه هر سه فرم جهانی را از منظر هستی‌شناختی یک‌سان می‌نگرد. ازاین‌رو، زیمل معرفت‌شناسی تجربی را، که قائل به تخصص‌گرایی آکادمیک و انحصار علمی است، رد می‌کند. او گرچه معرفت‌شناسی تاریخی را می‌پذیرد، هرمنوتیک دلتای را نیز نقد می‌کند؛ گرچه به فرم‌های تاریخی صحنه می‌نهد، فرم‌های هنری و دینی را نیز به همان اندازه برای شناخت پدیده‌ها معتبر می‌داند. بنابراین، زیمل به‌منظور مطالعه جامع و کامل اشیا و پدیده‌ها آن‌ها را برپایه همه فرم‌های جهانی بررسی می‌کند و در این مطالعه هیچ فرمی را از منظر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برتر از دیگری نمی‌داند (Goodstein 2017: 215).

گودشتاین می‌گوید در دوره حرفه‌ای‌سازی شتابناک در آموزش عالی، حتی درحالی‌که همکاران زیمل تلاش می‌کردند جامعه‌شناسی را به‌منزله شاخه علمی متمایز و رسمی تأسیس کنند، او توجه‌ها را به پیش‌فرض‌های سؤال‌انگیز معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و هم‌چنین نتایج فلسفی آن‌ها معطوف می‌کرد. برای نمونه، این‌که نوع عینیت شناخته‌شده برای شکل‌دادن علوم طبیعی نمی‌تواند در قلمرو علوم اجتماعی حاصل شود این موضوع را مطرح کرد که آیا مقوله «قانون» علمی اصولاً می‌تواند به‌نحو مشروع در تحقیقات مربوط به موضوعات متنوع تاریخی و فرهنگی به‌کار رود. گودشتاین به‌درستی تشخیص داد که این اثر حتی با تنگ‌نظری فلسفه علم یا نظریه علم‌ناسازگاری یا خصومت دارد (ibid.).

بنابراین، نسبت دیگر فلسفه پول با تخصص‌گرایی آکادمی‌های ما حکایت از ضرورت مطالعات فرارشته‌ای در آموزش و پژوهش کشور دارد. آموزش عالی و نظام پژوهشی کشور به‌طور عمده با نگاه رشته‌ای و تخصصی مدیریت می‌شود و فضای مناسب برای مطالعات فرارشته‌ای در آکادمی‌های کشور کم‌تر فراهم است. مطالعه همه‌جانبه چالش‌ها و مسائل جامعه، اقتضانات پژوهشی و آموزشی در کشور، و هم‌چنین رویکردهای نوین علمی در جهان اقتضا می‌کند که فضاها آکادمیک کشور به‌روی مطالعات و پژوهش‌های فرارشته‌ای بازتر شود.

۳،۱۲ ملاحظه نسبت علم و دین

جامعه نخبگان ما و هم‌چنین سیاست‌گذاران کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی با پرسش جدی و بلکه چالش عمده نسبت دین و علم مواجه شدند. البته مسئله علم و دین از دیرباز، پس از رنسانس و ظهور علوم مدرن و سکولاریسم، مطرح است و آرا و اندیشه‌های متنوع و متفاوتی درباره آن اظهار شده است. اما چالشی که از سوی انقلاب اسلامی در برابر علوم انسانی و اجتماعی مطرح شد با سابقه تاریخی مسئله علم و دین متفاوت است. انقلاب اسلامی، با این ادعا که دین در شناخت و سیاست‌گذاری در امور انسانی و اجتماعی ایفای نقش می‌کند، علوم انسانی و اجتماعی متعارف را با چالشی جدی روبه‌رو کرد. علوم انسانی و اجتماعی باید نسبت خود را با این رقیب تعریف می‌کرد. چالش نحوه ربط و نسبت علم و دین در علوم اجتماعی و انسانی در سطح آکادمی‌ها به‌عنوان مسئله مطرح است. فارغ از این‌که دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره این ربط و نسبت چیست، نمی‌توان چشم‌ها را بر این مسئله بست. آکادمی‌ها ناگزیرند ایستار خود را در برابر این مسئله تبیین کنند. زیمل برپایه نظریه فرم‌ها ره‌یافت یا روشی را برای مطالعه پدیده‌ها از نگاه دینی معرفی کرده است. شناخت اندیشه‌های زیمل، به‌ویژه آشنایی با فلسفه پول او، چه‌بسا به پژوهش‌های ما در بررسی نسبت دین و علم در فضای سلطه تخصص‌گرایی آکادمیک کمک کند.

زیمل در کتاب *فلسفه پول* روش و نحوه‌ای از مطالعه را نشان می‌دهد که می‌تواند براساس فرم‌های معرفتی و دینی پدیداری را بررسی و تحلیل کند. از این‌رو، امر اجتماعی یا رفتار و کنش انسانی می‌تواند برپایه فرم‌های شناختی، دینی، و حتی هنری مطالعه شود. چه‌بسا این روش مطالعه بتواند پرتوی بر مسئله نسبت علوم انسانی و اجتماعی با دین در جامعه ما بیفکند. این مبحث قطعاً نیازمند دقت نظر و مطالعات فراوان است.

هم‌چنان‌که یاد شد، سیلور و اونی در مقاله «اهمیت استعاره‌های دینی در فلسفه پول» بر آن‌اند که فلسفه پول زیمل آمیخته به زبان دینی است. آنان سه کیفیت دینی «ایمان، وحدت، و فردیت» را در بررسی رفتار و کردار پولی بازشناسی می‌کنند (زیمل ۱۳۹۷: ۴۰). فریزی به این تشابه تصور «خدا» و پول در اندیشه زیمل که در هر دو آن‌ها به‌نحوی امور متنوع و متعارض جهان به‌وحدت می‌رسند، هم‌چنین به فرم شبه‌دینی «اعتماد»، که در مبادله و پول به‌چشم می‌خورد، اشاره می‌کند. مسمی‌پرست، با توجه به مفهوم «الوهیت» در فلسفه پول، مطرح می‌کند که پول این امکان را برای انسان فراهم می‌کند که شخصیتش را بدون باقی‌مانده‌ای بیان کند.^۲

هم‌چنان که یاد شد، در جامعه ما درباره نسبت علم و دین، پرسش‌هایی از نوعی دیگر مطرح است. در این موضوع، در جامعه به طور کلی با دو گونه پرسش روبه‌رویم: نخست، شناخت پدیده‌های انسانی و اجتماعی چه نسبتی با دین دارد؛ و دوم، آموزه‌های دینی چه کمکی می‌توانند به شناخت و تغییر پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بکنند.

باتوجه به این که زیمل از پدیده‌های انضمامی در جامعه آغاز می‌کند، به‌نظر می‌رسد بتوان از اندیشه او برای پاسخ‌گویی به پرسش نخست کمک گرفت، بدین معنی که از فرم دینی درکنار فرم‌های تاریخی و شناختی برای مطالعه کامل‌تر و جامع‌تر پدیده‌های انسانی و اجتماعی جامعه خود بهره گرفت. بدین ترتیب، با مطالعه پدیده‌ها برپایه فرم دینی می‌توان به معرفتی جامع‌تر درباره پدیده‌ها و نسبت آن‌ها با دین دست یافت.

اما در نگاهی کلی به‌نظر می‌رسد فلسفه زیمل درباره پرسش دوم خاموش است و اظهارنظری نمی‌کند و شاید حتی پاسخی منفی بدهد. این نظر از دو حیث تقویت می‌شود: نخست، نگاه زیمل به دین با ره‌یافت تجربه دینی است؛ و دوم، زیمل رویکرد برساختی به علم ندارد. درمورد وجه نخست، فریزی در تبیین نگاه فردگرایانه و تجربی به دین از زیمل نقل قول می‌کند که دین‌داری دربردارنده آمیزه‌ای عجیب از تسلیم غیرخودخواهانه و کشش پرشور از فروتنی و تعالی، و از عینیت حسی و تجرد روحانی است که موجب حدی از تنش عاطفی، شور و شوقی خاص، و قرارگرفتن شخص در نظامی عالی‌تر می‌شود، نظامی که احساس می‌شود «چیزی درونی و شخصی» است (همان: ۱۰۴). درمورد وجه دوم، می‌توان به رویکرد تاریخی او در مطالعه اشیا و پدیده‌های جزئی استناد کرد. کارل مانهایم به این نکته اشاره‌ای کرده است که استعداد او قابلیت برای داشتن نظری سازنده درباره کل جامعه نبود، بلکه تحلیل کردن اهمیت نیروهای اجتماعی خردی بود که پیش‌ازاین مشاهده نشده بود (همان: ۱۲۷).

مسمی‌پرست در این زمینه چنین جمع‌بندی می‌کند که تلاش زیمل کوششی است برای آن که خود جامعه را پدیداری شبه‌دینی تلقی کنیم، که به‌سبب همان انواعی از تجربه‌ها بنا می‌شود که ادیان رسمی بیان می‌کنند و نیز ممکن است بار دیگر بر روابط اجتماعی اثر کنند (همان: ۴۴). حالت دینی‌ای که زیمل در پول می‌دید به این آمادگی و استعداد آزمودن فرم‌های دین‌داری جدید و دیدن دین در جاهایی مربوط می‌شد که به‌طور سنتی کسی در آن‌جا به‌دنبالش نبود (همان). پیوندهای دین‌داری با پول نشان می‌دهد که چگونه پول می‌تواند از آن ظرفیت‌های تجربه دینی استفاده کند (همان: ۴۳).

۱۳. نقد شکلی اثر

کتاب *فلسفه پول* شامل پیش‌گفتار ناشر، دیباچه چاپ سوم، مقدمه مترجم انگلیسی، دیباچه نویسنده، مقدمه مترجم فارسی، فهرست تفصیلی مطالب، پس‌گفتار درباره ساختار متن، و نمایه نام هاست که چشم‌انداز مناسبی از محتوای کتاب به‌نمایش می‌گذارد. مقدمه مترجم فارسی، خانم دکتر شهناز مسمی‌پرست، در کنار مقدمه مترجم انگلیسی، دیوید فریزی، معرفی ارزش‌مندی از مضامین کتاب ارائه می‌کنند. این اثر از منظر کیفیت فنی و ظاهری بسیار عالی است: استفاده از کاغذ گاهی، باوجود حجم بیش از ۷۰۰ صفحه‌ای کتاب، مایه سبکی آن است؛ رنگ کاغذ متمایل به گرمی بسیار چشم‌نواز است؛ و طرح جلد و پوشش آن بسیار ساده و زیباست. ویرایش، رعایت علامت‌های سجاوندی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، و چاپ کتاب بسیار عالی و ناباورانه دقیق است.

۱۴. نقد ترجمه کتاب

باتوجه به دشوارخوانی کتاب، همت و تلاش مترجم محترم برای نقل امانت‌دارانه و دقیق مفاهیم *فلسفه پول* بسیار درخور تقدیر است. مترجم با وسواس بیش‌ازحد و کوشش طاقت‌فرسایی سعی کرده است مفاهیم را تا حد امکان به همان صورتی که در نسخه ترجمه انگلیسی کتاب آمده است به فارسی برگرداند و برای اطمینان نگاهی نیز به متن اصلی آلمانی داشته است. این وسواس و دقت در برگردان متن اصلی به اصالت نسخه فارسی *فلسفه پول* بسیار کمک کرده، اما دشوارخوان بودن متن اصلی را نیز حفظ کرده است. باتوجه به دشوارخوانی و دشواریابی *فلسفه پول*، به نظر می‌رسد که توصیه مترجم لهستانی به‌جا و دقیق بوده است که کتاب *فلسفه پول*، باتوجه به ویژگی‌هایی که درباره آن گفته شد، بیش از ترجمه نیازمند تفسیر است (همان: ۶۸۳-۶۸۴).

ضمن ارج‌گذاشتن به تلاش‌های مترجم، که این اثر گران‌سنگ را برای فارسی‌دانان دست‌رس‌پذیر کرده‌اند، نکاتی را در چند بخش برای بهبود ترجمه پیشنهاد می‌دهم.

الف) پای‌بندی بیش‌ازحد به متن

در برخی جاهای متن، وسواس دقت و امانت در ترجمه موجب شده است که ترجمه حالت واژه‌به‌واژه پیدا کند. مترجم حتی از افزودن واژه‌ها برای وضوح بیش‌تر مفاهیم پرهیز کرده است، به‌نحوی که اسم موصول [که] داخل کروشه گذاشته شده است (۴۳).

هم‌چنین، در جمله‌های نسبتاً پرشماری مرجع «آن» روشن نیست، شایسته است که مترجم در بازشناسی این مرجع خواننده را یاری کند (۱۲۷-۱۲۸) و مرجع آن را تصریح کند.

ب) حفظ ساختار جمله‌ها

جمله‌های طولانی شامل جمله اصلی و جمله‌های متعدد پیرو به همان شکل و صورت در ترجمه حفظ شده است. چه بسا با شکستن جمله‌های طولانی به جمله‌های کوتاه‌تر مضمون‌ها فهم‌پذیرتر می‌شد (۱۵۳). هم‌چنین، اگر جمله‌های پیرو که در کتاب بسیار است داخل دو خط تیره گذاشته شود، خواناتر و گویاتر می‌شود (۱۵۴ بند آخر، ۲۰۶).

ج) تقطیع بندهای طولانی

باتوجه به این که بندها و پاراگراف‌هایی در کتاب پیدا می‌شود که بیش از دو صفحه و نیم بلکه سه صفحه است، چه بسا تقطیع و کوتاه کردن آن‌ها به فهم‌پذیر کردن مطلب کمک کند (۱۸۶-۱۸۸، ۲۵۳-۲۵۵، ۲۵۵-۲۵۸).

د) استفاده از علائم سجاوندی

اگر برای فاصله‌گذاری میان افعال متوالی که در کتاب فراوان است (به‌دلیل تداخل جمله‌های اصلی و پیرو و طولانی بودن بندها) از ویرگول استفاده شود به روان‌تر و خواناتر شدن متن کمک می‌کند (۱۲۴ سطر آخر، ۱۲۵ سطر ۶). هم‌چنین شیوه خاصی از علامت‌گذاری، برای نمونه گذاشتن ویرگول پس از «اگر» (۱۲۵ سطر ماقبل آخر)، در کتاب به چشم می‌خورد.

۱۵. نتیجه‌گیری

فلسفه پول زیمل به مدت یک سده فراموش شده بود. در زمان حیات او نیز توجه درخوری به این اثر نشد. دلیل اصلی این بی‌توجهی ناسازگاری او با تخصص‌گرایی آکادمیک بود که در روزگار او بر آکادمی‌ها چیره شده بود. رویکرد معرفت‌شناختی زیمل در فلسفه پول و دیگر آثارش بر نظریه فرم‌ها مبتنی است. بنابر این نظریه، برای شناخت پدیدارها باید از ساختار رشته‌ای و تخصصی علم فراتر رفت و برپایه فرم‌های زندگی، فهم جامعی از آن‌ها فراهم آورد. از این رو، زیمل با روش‌شناسی‌های فلسفه علم نیز سر سازگاری نداشت.

نظریه فرم‌ها بر آن است که وجوهی از واقعیت را می‌توان به‌مثابه ابژه‌های ممکن تجربه و شناخت درک کرد که ذیل فرمی مقوم و سازنده قرار گیرند. یعنی فرم‌ها شرایطی را تعیین می‌کنند که تحت آن‌ها می‌توان جهان را به‌نحوی خاص تجربه کرد و نشان داد، شرایطی که تحت آن‌ها جهان می‌تواند متعلق نوعی خاصی از تجربه و شناخت قرار گیرد. این فرم‌ها هم‌چون علم، تاریخ، دین، و هنر ارزش هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی یک‌سانی دارند، بدین معنی که ارزش هستی‌شناختی فرم شناخت علم بیش‌تر از ارزش هستی‌شناختی هنر و دین نیست. از این رو، هیچ‌یک از فرم‌ها بر دیگری سلطه ندارد و هیچ‌یک فرد را از دیگری بی‌نیاز نمی‌کند. بنابراین، نیل به جامعیت در مطالعه مستلزم تأمل درباره پدیده‌ها براساس همه فرم‌های مقوم است.

زیمل در مقام فیلسوف مطالعه خود را از پدیده‌های سطحی و اشیا آغاز می‌کرد. تا آن زمان فلسفه خود را به آن‌چه کلی، ابدی، ازلی، و عمیقاً مهم بود مشغول داشته بود، اما زیمل با فلسفه اشیا توجه خود را به آن‌چه دنیایی، زودگذر، و بی‌اهمیت به‌نظر می‌رسید معطوف کرد. زیمل در کتاب فلسفه پول به‌طور کامل به فلسفه اشیا خود متعهد است. فلسفه پول در پی کشف کردن راهی از سطح روی‌داد اقتصادی پول به سوی ارزش‌های غایی و پراهمیت هر امر انسانی است. عنصر اقتصادی پول خود را همانا به‌مثابه نماد دائماً معتبر فرم‌های ذاتی حرکت عیان می‌کند. مفهوم هسته‌ای فلسفه پول این است که از هر نقطه‌ای از کلیت معنای زندگی انسان می‌توان به هر نقطه دیگری رسید و هر پدیداری بر دیگری تکیه می‌کند و حامی آن است. البته این کثرت سرآغازها و این درهم‌تنیدگی همه چیزها و شبکه پیوندها کشف روشی نظام‌مند در رویه‌های او را دشوار می‌کند.

از منظر زیمل، پدیده پول از ظرفیت و توان بالقوه شگفت‌انگیزی در شناخت و نشان‌دادن ماهیت نه‌تنها اقتصاد، بلکه زندگی مدرن برخوردار است. معنای پول چیزی بیش‌تر از پول است، به این دلیل که نمادی برای جهان است. زیمل تصویری از مبادله به‌مثابه کل، چونان تصویری از مناسبات مشترک نامتناهی، ارائه می‌کند که نهایتاً خود را به‌صورت اصل مسلط جهان‌بینی بسط می‌دهد. مبادله پولی استقلالی کسب می‌کند که در آن مبادله صرفاً محض دو فرایند «دادن» و «گرفتن» نیست، بلکه پدیدار جدید سومی است که خاصیتی فرهنگی دارد.

پول چونان پدیدار فرهنگی جدید اقتضائاتی دارد: نخست، خود را به‌مثابه معادل کلی همه ارزش‌ها برمی‌کشد. بدین ترتیب، مبادله و پول از قلمرو خواست‌ها و آرزوهای شخصی و بی‌واسطه سوژه فراتر می‌رود و در جهان خارج از ذهن و روان سوژه عینیت

می‌یابد؛ دوم، به دلیل عینیت‌یابی و شیء‌شدگی پدیدارهای شخصی، چیزهایی که زمانی برای سوژه‌ها آشنا بودند به انبوهی از کالا تبدیل می‌شوند که هیچ تاریخی ندارند؛ سوم، عینیت‌یابی مبادله پولی و شیء‌شدگی پول به سلطه فرهنگ عینی بر فرهنگ سوژکتیو می‌انجامد که کلیت معنای زندگی مدرن را رقم می‌زند؛ چهارم، عینیت‌یابی مبادله و شیء‌شدگی پول موجب می‌شود که نقش وسیلگی پول از نظر پنهان شود و پول چونان هدف در همه شئون زندگی ظاهر شود.

کتاب *فلسفه پول* از آن رو برای آکادمی‌های ما مهم است که پس از گذشت بیش از یک سده از تألیف آن، هم‌چنان می‌تواند با ما ربط و نسبتی برقرار می‌کند. این کتاب می‌تواند به مسائل آکادمی‌های ما و چالش‌ها و مسائل جامعه ما، به‌ویژه تخصص‌گرایی آکادمیک، مربوط باشد. این ارتباط از آن لحاظ است که به اهمیت مسئله‌مندی، فرارستگی، و نسبت مسائل انضمامی جامعه با دین توجه می‌کند. آکادمی‌های ما هم‌اکنون از کاستی‌هایی در این زمینه‌ها رنج می‌برند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نظر می‌رسد در این جا اصطلاح فرارشته‌ای مناسب‌تر از میان‌رشته‌ای باشد، چه در ره‌یافت رشته‌ای، آن چه به اصطلاح میان‌رشته‌ای خوانده می‌شود به‌طور ضمنی هم‌چنان به‌منزله رشته به‌رسمیت شناخته می‌شود، اما در ره‌یافت فرارشته‌ای اصولاً نگاه رشته‌ای به‌رسمیت شناخته نمی‌شود. هم‌چنان‌که زیمل بنابر نظریه فرم‌ها نگاهی فراتر از رشته‌ها و دیسیپلین‌های علمی به شناخت دارد و آن‌ها را به‌شدت رد می‌کند.
۲. برای آشنایی بیشتر با اندیشه زیمل درباره مطالعه پول از نگاه دینی، بنگرید به بخش فرم دین در همین مقاله.

کتاب‌نامه

- زیمل، گئورگ (۱۳۹۷)، *فلسفه پول*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- زیمل، گئورگ (۱۳۸۶)، *مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Goodstein, Elizabeth S. (2017), *Georg Simmel and the Disciplinary Imaginary*, Stanford: Stanford University Press.

Pyyhtinen, Olli (2010), *Simmel and "the Social"*, London: Palgrave

Swedberg, Richard (1994), (Review by) "Money and the Modern Mind: Georg Simmel's *Philosophy of Money* by Gianfranco Poggi", *Acta Sociologica*, vol. 37, no. 2.